



میزان عدالت

— مبین گاهنامه حقوق
آبان ۱۴۰۲

خشونت خانگی علیه زنان
بررسی حقوق شهروندی



جرایم علیه امنیت کشور
بررسی سفته ضمانت

دین یعنی عدل و عدل یعنی دین، هر کجا دیدید که می گویند اسلام و دینی هست اما عدالت نیست.
شک نکنید که دین و اسلامشان قلابی است.

شهید بهشتی

ندای عدالت

شناسنامہ

نام نشریہ: ندائے عدالت، شمارہ نمبر ۱۴۰۲

صاحب امتیاز: انجمن علمی حقوق دانشگاہ حکیم بڑوائے

مدیر مسئول: علی قلعہ پور

رہبر: مہرزاد چراغی

طراح جلد و صفحہ آرا: مہرزاد چراغی، ملیکا التیرے

ویراستار: مہرزاد چراغی

ہیات تحریریہ:

زینب برائے، محمد محمدزادہ فاروج،
حانیہ باقرے، ریحانہ غفاریان

فہرست

1

فتمہ ضمانت (زینب برائے، کارشنایہ حقوق)

۱

3

بررسی حقوق شہروندے (محمد محمدزادہ فاروق، کارشنایہ حقوق)

۲

5

جرائم علیہ امنیت کشور (محاربہ) (حانیہ باقرے، کارشنایہ حقوق)

۳

7

خشونت خانگ علیہ زنان (ریحانہ غفاریان، کارشنایہ حقوق)

۴

منابع

۵

جوامع بشری، همواره میدانی از تعاملات و صحنه روابط میان انسان‌ها، گروه‌ها و نهادهای اجتماعی بوده‌است.

این روابط در ضمن لزوم اجرای درست و پیش‌برد اهداف انسانی و در ابعاد بزرگ‌تر، برآورد اهداف حقیقی زندگی، نیازمند پیش‌زمینه و آگاهی افراد در زمینه‌های گوناگون است.

آگاهی از حقوق، بعنوان یکی از پایه‌های برقراری و دوام زندگی جمعی در دنیای پرمخاطره و جهان امروز ضروری است.

رشد و توسعه فردی در شناخت قوانین حقوقی و آگاهی از نقش هر یک از این قواعد در زندگی، می‌تواند مانع بروز بسیاری از وقایع، پیش از رخدادن آن باشد. هر انسان بعنوان رکن اساسی برقراری ارتباط و جریان حیات، خود بایستی توانایی و بینش خویش را نسبت به پیرامون خود و بخصوص زنجیره‌ی دوام‌بخش زندگی اجتماعی بالا برده و با دانایی و اطلاع از مجموعه قوانینی که پاسدار حق و حقوق اولیه اوست به حقانیت دست یافته و زندگی بهتری برای همگان رقم بزند.

عدم توجه کافی به شناخت حقوق شهروندی، سبب مخدوش شدن نقش و پایگاه‌های انسانی و قضایی شده و موجب اتلاف وقت و صرف هزینه مازاد می‌باشد. امروزه شاهد بروز شکایات بسیاری به مقامات قضایی هستیم و گزارشاتی مبنی بر پایمال شدن حقوق انسانی که شاید بالواقع بخش اعظمی از چنین مسائلی را بتوان با آگاهی‌بخشی و علم کافی به حقوق فردی و اجتماعی جلوگیری کرد.

حال در بعد اطلاع رسانی و آشنایی افراد با قوانین حقوق، جدای از تحصیل‌کنندگان این رشته، انتظار می‌رود در بخش آموزش و پرورش، انسان‌ها از زمانی که تحصیل را فرامی‌گیرند به این دست مسائل توجه بیشتری تعلق بگیرد و انسان‌ها بیاموزند تا با آگاهی در مواقع نیاز چه در بخش پیشگیری و چه پیگیری از حقوق مسلم خود دفاع کنند و از این مسئله در هراس نباشند.

"سفته ضمانت"

همچنین در برخی مشاغل دیگر مانند برنامه نویسی یا مدیر فروش که فرد به اطلاعات و دیتای محرمانه یک سازمان دسترسی دارد نیز علاوه بر امضای قرارداد محرمانگی، غالبا از او درخواست سفته ضمانت نیز می شود. اما در مورد بسیاری از مشاغل، درخواست سفته از کارمندان ضرورت و الزامی ندارد. با این حال، همچنان برخی کارفرمایان اصرار دارند از تمامی کارمندان و کارگران، صرف نظر از موقعیت شغلی، سفته برای ضمانت انجام کار بگیرند. این موضوع یکی از مباحث داغ بازار کار ایران است و هنوز راهکار مشخص و دقیقی برای آن وجود ندارد. بنابراین تا زمانی که قانون مشخصی در مورد سفته استخدام تصویب شود این مسئله به توافق طرفین و رضایت شما برای دادن سفته بستگی دارد.

بر اساس عرف، در کارگاه هایی که کارگر با تجهیزات و دستگاه های گران قیمت کار می کند و احتمال هر نوع خسارت به کارگاه وجود دارد، گرفتن چک و سفته یا ضامن شناخته شده و معتبر، اسباب خاطر جمعی کارفرما است اما حتی عرف هم گرفتن چک و سفته از کارگر در مشاغل خدماتی را به رسمیت نمی شناسد. با این حال، گاهی دیده می شود در کارگاهی که کارگر فقط با یک دستگاه کامپیوتر ساده کار می کند یا فقط فروشنده ساده است، کارفرما قبل از شروع کار، چک و سفته را به عنوان شرط عقد قرارداد مطالبه می کند.

عبارت حسن انجام کار، عبارت مبهمی بوده و در صورتی که در متن قرارداد کار، جزئیات مربوط به آن مشخص نشده و مورد توافق طرفین واقع نشود، می تواند در بسیاری از موارد منجر به بروز اختلافات میان کارگر و کارفرما شود

نکات مهم در پر کردن سفته حسن انجام کار:

۱: هیچ وقت سفته سفید امضاء به کارفرما ندهید!

در سفته یا در قرارداد کار لازم است حتما علت صدور را مشخص کنید؛ مثلا بنویسید بابت ضمانت حسن انجام کار، بابت تضمین حسن انجام کار، بابت ضمانت قرارداد و ... در صورتی که سفته را سفید امضا به کارفرما بدهید و در قرارداد کار نیز اشاره ای به سفته نشده باشد کارفرما می تواند سفته را نقد کند و شما مدرکی دلیل بر اینکه سفته صرفا برای ضمانت حسن انجام کار بوده نخواهید داشت.

در قسمت تاریخ پرداخت سفته نباید تاریخی را قید نمایید و به جای درج تاریخ، این عبارت را بنویسید: (سفته بابت حسن انجام کار) و در ادامه شماره و تاریخ قرارداد استخدام خود را قید نمایید.

۲: حتما در سفته، نام دریافت کننده سفته را قید نمایید و به هیچ وجه این سفته را به شکل سند در وجه حامل صادر نکنید.

حتما تاکنون در آگهی ها و شرایط استخدامی با مواردی روبرو شده اید که کارفرما ارائه سفته را از شروط استخدام عنوان کرده است.

بسیاری از افراد هنگامی که برای استخدام به یک کارگاه یا شرکت مراجعه می کنند، با درخواست کارفرما مبنی بر دادن یک برگ سفته امانت مواجه می شوند. این سفته که از اسناد تجاری بوده، به عنوان "سفته حسن انجام کار" یا "سفته ضمانت انجام کار" شناخته می شود برای آشنایی بیشتر با سفته حسن انجام کار ابتدا باید ببینیم سفته چیست و چه کاربردهایی دارد - سفته چیست؟

طبق ماده ۳۰۷ قانون تجارت فته طلب (سفته) سندی است که به موجب آن امضا کننده تعهد می کند مبلغی را در موعد معین یا عندالمطالبه در وجه حامل یا شخص معین و یا به حواله کرد آن شخص کارسازی نماید سفته می تواند به عنوان وسیله پرداخت، وسیله کسب اعتبار و وسیله تضمین اجرای تعهدات مورد استفاده قرار بگیرد

که روی صحبت ما در این اینجا شایع ترین کاربرد سفته یعنی وسیله تضمین است

سفته حسن انجام کار یا سفته ضمانت انجام کار، سفته ای است که کارفرمایی که اقدام به استخدام کارگر کرده

آن را دریافت می کند تا به واسطه آن از اجرای تعهدات قراردادی از جانب وی مطمئن شود.

معمولا گرفتن سفته از کارگر در قالب «ضمانت انجام کار» یا «ضمانت حسن انجام کار» مطرح می شود و این در حالی است که قانون کار «ضمانت دادن توسط کارگر» را به رسمیت نمی شناسد و در این رابطه سکوت کرده است. به این ترتیب گرفتن سفته هیچ محمل قانونی ندارد اما این کار به نوعی تبدیل به «عرف» در برخی مشاغل شده است.

سفته بیشتر برای چه مشاغلی استفاده می شود؟

برخی مشاغل به دلیل ماهیت و نوع کارشان بیشتر به ارائه ضمانت نیاز دارند. به عنوان مثال حسابداران و کارمندان بخش مالی که مستقیما با اطلاعات مالی و خصوصی یک شرکت و سازمان در ارتباطند معمولا موقع استخدام باید سفته ارائه کنند. همچنین کارمندانی که اموال شرکت در اختیار آنهاست (مثل راننده) نیز معمولا برای تضمین و تعهد ملزم به ارائه سفته هستند.





شماره خزانه داری کل	شماره	جای پرداخت	سر رسید
۲۴۳۳۲۵ (سری/د)			

۲۴۳۳۲۵

(سری/د)

بلغ به عداد	تاریخ صدور	تاریخ	بلغ
اینجانب متعهد می‌شوم	تاریخ صدور سر رسید - روز - ماه - سال با تمام حروف نوشته شود	در مقابل این سفته	اینجانبان متعهد می‌شویم
به حواله کرد			
نام متعهد:	کد ملی متعهد:	محل اقامت متعهد:	محل پرداخت:
محل اقامت متعهد:	امضاء متعهد:		

۳: حتما در قرارداد استخدام، شماره سفته حسن انجام کار یا سفته ضمانت انجام کار را قید نمایید و توضیح داده شود که تحت چه شرایطی کارفرما حق اجرای سفته حسن انجام کار یا سفته ضمانت انجام کار را خواهد داشت.

۴: بعد از پر کردن سفته ضمانت انجام کار و پیش از آنکه آن را تحویل کارفرما دهید، یک کپی از آن تهیه کرده و نزد خود نگه دارید تا در صورت امتناع کارفرما از استرداد آن بعد از پایان مدت استخدام، بتوانید از طریق مراجع قضایی اقدام کنید.

نتیجه گیری

هرچند بخشی از کارفرمایان مدعی هستند که دلیل دریافت تضمین قانونی، اجتناب از بروز خسارت در کارگاه و تلف شدن سرمایه‌های انبوه است، دولت در بهار امسال به کارگران وعده داد که در لایحه اصلاح قانون کار که با هدف تامین امنیت شغلی کارگران تنظیم شده، اخذ چک و سفته به کلی ممنوع شده است.

یازدهم اردیبهشت ۱۴۰۲ به مناسبت روز جهانی کارگر، رئیس جمهور امنیت شغلی را یکی از دغدغه‌های اصلی کارگران دانست و به وزیر کار دستور داد براساس قانون قراردادهای کارگران ساماندهی شود. در دنباله این اظهارات، هفدهم اردیبهشت، علی حسین رعیتی فرد، معاون روابط کار وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی گفت: اصلاح بعضی از قوانین با هدف تامین امنیت شغلی کارگران به مجلس ارایه شده است، در این راستا کارفرمایان دیگر حق اخذ سفته و چک از کارگران را ندارند.

در صورت تصویب لایحه اصلاح قانون کار در مجلس، دریافت اسناد تضمینی از کارگران از جمله سفته و چک، کاملاً ممنوع می‌شود. این بخش از لایحه اصلاحی، مطابق با قانون کار و به نفع کارگران تنظیم شده است و اگر احتمالاً کارگری به اموال کارگاه و کارفرما خسارت وارد کرد، قانون روش‌های پیگیری و جبران خسارت را در دادگاه‌های عمومی کشور پیش‌بینی کرده است و کارفرما می‌تواند براساس مواد قانون مجازات اسلامی، خسارت را از فرد خاطی به عنوان ضررزننده تادیه کند لذا نیازی به شناسایی اخذ تضمین در روابط کار نیست.

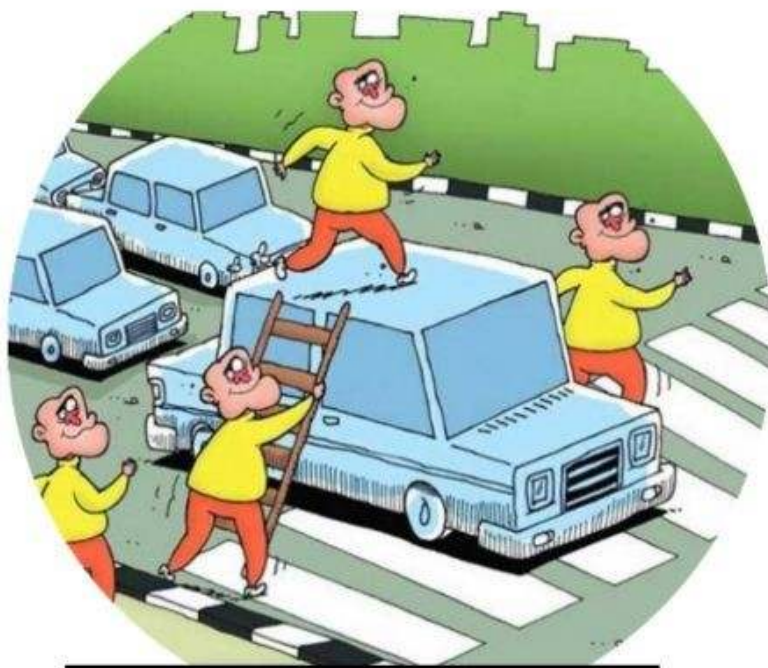
به این ترتیب، لایحه اصلاح قانون کار با به رسمیت شناختن امنیت شغلی کارگران و ممنوع ساختن اخذ چک و سفته در زمان شروع کار، یک گام به پیش در جهت رفع دغدغه‌های نیروی کار برداشته است. کارگر نباید برای احقاق حقوق قانونی خود با مانع بازدارنده مواجه باشد و در نتیجه نمی‌توان و نباید به اسم تضمین، کارگر را از مطالبه حقوق بازداشت.

حقوق شهروندی

تنظیم و به تصویب مراجع ذی ربط رساند:
 الف) پرورش عمومی قانونمداری و رشد فرهنگ نظم و احترام به قانون و آیین شهروندی
 ب) تامین آزادی و صیانت از آرای مردم و تعیین آزادی در حق انتخاب شدن و انتخاب کردن
 ج) هدایت فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی به سمت فرایندهای قانون و حمایت و تضمین امنیت فعالیت‌ها و اجتماعات قانونی
 د) تامین آزادی و امنیت لازم برای رشد شکل‌های اجتماعی در زمینه صیانت از حقوق افراد
 هـ) ترویج مفاهیم وحدت‌آفرینی و احترام‌آمیز نسبت به گروه‌های اجتماعی و اقوام مختلف در فرهنگ ملی
 و) حفظ و صیانت از حریم خصوصی افراد
 ز) ارتقای احساس امنیت اجتماعی در مردم و جامعه

به نظر می‌رسد منظور اساسی و اصلی قانونگذار از اینکه دولت را به موجب ماده 100 قانون برنامه چهارم توسعه موظف به تهیه منشور حقوق شهروندی با تاکید بر محورهای ذیل آن کرده است، ایجاد، توسعه و نهادینه کردن فرهنگ شهروندی و مقدمه‌ای برای تصویب قوانین مربوط به حقوق شهروندی است
 قانون برنامه چهارم توسعه، همانطور که دولت را موظف به تهیه منشور حقوق شهروندی کرد، به موجب ماده 130، قوه قضاییه را نیز مکلف به تهیه لوایح مربوط به حقوق شهروندی کرد از جمله لایحه جرم‌زدایی از قوانین کیفری به منظور جلوگیری از تضییع حقوق و آزادی‌های عمومی، لایحه حفظ و ارتقای حقوق شهروندی، حمایت از حریم خصوصی افراد، رفع هرگونه تبعیض قومی و گروهی در قلمرو حقوقی و قضایی، لایحه حمایت از حقوق شهود و متهمان و لایحه حمایت از زیان دیدگان اجتماعی
 عناوین حقوق شهروندی در قانون اساسی 1. سیاسی، اجتماعی شهروندان: در بند ششم اصل سوم قانون اساسی محور هر گونه استبداد و خودکامگی و انحصار طلبی و در بند هفتم اصل تامین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی و اهتمام دولت در بکار بردن همه امکانات جهت مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی،

حقوق شهروندی به عنوان سند اصلی تنظیم روابط بین ملت و حکومت، آمیخته ای است از وظایف و مسئولیت‌های شهروندان در قبال یکدیگر، شهر و دولت یا قوای حاکم مملکت و همچنین حقوق و امتیازاتی که وظیفه تامین آن حقوق بر عهده مدیران شهری، دولت یا به طور کلی قوای حاکم می باشد.
 معنی و مفهوم اصلی حقوق شهروندی، رعایت و حفظ حقوق افراد و انسان‌ها در بخش کلان جامعه است. بنابراین اصطلاح «حقوق شهروندی» از نظر مفهومی، پدیده نوظهوری نمی‌تواند تلقی شود زیرا پیش از این در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و سایر قوانین عادی و حتی در فرمان هشت ماده‌ای امام در سال 60 حقوق مردم و حقوق عمومی تصریح شده است. اصطلاح و واژه «حقوق شهروندی» برای اولین بار با صدور بخشنامه رئیس وقت قوه قضاییه در 20 فروردین سال 1383 در مورد رعایت حقوق شهروندان وارد نظام حقوقی ایران شد. بنابراین نخستین قانون مربوط به حقوق شهروندی در ایران قانون مذکور بود که صرفاً در گستره قضایی، حقوق شهروندی را مورد حمایت قرارداد. با توجه به اهمیت این قانون، نسبت به مواردی که مستقیماً مربوط به بخشی از حقوق شهروندی بود، قانونگذار با فاصله نزدیکی یعنی 5 ماه پس از تصویب قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی، اقدام به وضع مقرراتی درباره حقوق شهروندی با تصویب قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران کرد. نکته حائز اهمیت در قانون برنامه چهارم توسعه این بود که دامنه شمول حقوق شهروندی علاوه بر گستره قضایی به سایر گستره‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی نیز تعمیم یافت و مورد حمایت و توجه قرار گرفت
 قانون برنامه چهارم توسعه در ماده 100، دولت را موظف کرده است به منظور ارتقای حقوق انسانی، استقرار زمینه‌های رشد و تعالی و احساس امنیت فردی و اجتماعی در جامعه و تربیت نسلی فعال، مسئولیت‌پذیر، ایثارگر، مؤمن، رضایت‌مند، برخوردار از وجدان کاری، با انضباط، با روحیه تعاون و سازگاری اجتماعی، متعهد به انقلاب و نظام اسلامی و شکوفایی ایران و مفتخر به ایرانی بودن، «منشور حقوق شهروندی» را مشتمل بر محورهای ذیل



اقتصادی و فرهنگی خویش به عنوان تکالیف مهم دولت و حکومت از جمله مواردی است که قانونگذار بنیادهای حقوق سیاسی و اجتماعی مردم را ترسیم نموده است. عدم سلب آزادی های مشروع حتی با نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور با استفاده از ابزار قانون و وضع قوانین از جمله راهبردهای مورد تاکید قانون گذار در اصل نهم قانون اساسی است. در اصل هشتم قانون اساسی بر امر به معروف و نهی از منکر به عنوان حقوق و تکالیف متقابل دولت و مردم تاکید شده است. ممنوع کردن تفتیش عقاید و پرهیز از تعرض و مواخذه به دلیل عقیده (اصل 23)، آزاد بودن نشریات و مطبوعات در بیان مطالب، ممنوعیت بازرسی نامه ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور و استراق سمع و پرهیز از هرگونه تجسس (اصل 25)، آزادی احزاب و جمعیت ها، انجمن های سیاسی و صنفی و انجمن های اسلامی (اصل 26)، آزادی تشکیل اجتماعات و راهپیمایی ها (اصل 27)، از جمله اصول تصریح شده اجتماعی و سیاسی در قانون اساسی جمهوری اسلامی می باشد. 2. حقوق اقتصادی و رفاه اجتماعی: حق انتخاب شغل و امکان انتخاب شغل (اصل 28) دارا بودن مسکن متناسب (اصل 31)، و مصونیت شغل و مسکن، تعرض به حرمت مالکیت شخصی (اصل 46 و 47) و برخورداری از تامین اجتماعی (اصل 29) از جمله مواردی است که قانونگذار به عنوان حقوق اقتصادی و رفاه اجتماعی لحاظ کرده است.

3. حقوق قضایی: هشت اصل از قانون اساسی به حقوق قضایی شهروندان تخصیص داده شده اصول 22، 32، 35، 27، 28، 39 حقوق قضایی شهروندان را تثبیت نموده است هدف اصلی حقوق قضایی شهروندان، ایجاد امنیت قضایی برای اعضای جامعه است.

4. حقوق فرهنگی: گرچه در اصل بیستم قانون اساسی، برخورداری از حمایت قانونی و تساوی افراد در همه ابعاد حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی با رعایت موازین اسلام را به عنوان سیاست محوری حقوق شهروندی مورد توجه قرار داده است، اما در اصول اختصاصی جزئیات حقوق فرهنگی به طور آشکار مورد بحث قرار نگرفته است. از جمله حقوق فرهنگی تصریح شده در قانون اساسی، دادن حق استفاده از زبان های محلی و قومی در مطبوعات و در رسانه های جمعی و تدریس ادبیات آنها در مدارس در کنار زبان فارسی برای اقوام مختلف ساکن در ایران است. همچنین بند سوم فصل سوم قانون اساسی بر رایگان بودن آموزش و پرورش و تربیت بدنی، همه در تمام سطوح و تسهیل آموزش عالی تاکید ورزیده است. بر همگان آموزش و رایگان کردن با رعایت امکانات در اصل سی ام اساسی تاکید شده است.

در سال 1395 مورخ 29 آذر، ریاست جمهوری منشور حقوق شهروندی را امضا نمود و به دولت ابلاغ کرد. این سند که یک سند قانونی به شمار می رود، وظایف و تکالیفی را در قبال حقوق ملت و شهروندان کشورمان می دهند تحت چارچوب قانون اساسی و با رعایت موازین اسلامی بر دولت ارائه می کند. به این ترتیب، حقوق شهروندی در جامعه به بهترین شکل ممکن اعمال می شود و ضمانت اجرای آن،

منشور حقوق شهروندی است که سندی معتبر بوده و همه مسائل مهم را از قبل پیش بینی کرده است در گذشته این مجموعه قوانین و حقوق به صورت پراکنده موجود بود، اما منشور حقوق بشر و حقوق شهروندی به آن انسجام بخشیده و باعث شد که به عنوان یک آینه تمام نما، حقوق ملت را به صورت جامع و کامل نشان دهد. بنابراین این یک سند پر اهمیت برای شهروندان بوده و دولت وظایف و مسئولیت های بسیار برای محقق ساختن آن دارد.

پس همانطور که بیان شد شهروندی از جمله مفاهیم نو پدید است که به طور ویژه ای به برابری و عدالت توجه دارد و در نظریات اجتماعی، سیاسی و حقوقی جایگاه ویژه ای پیدا کرده است. البته هر جامعه بسته به نوع نگرشی که به افراد جامعه و شهروندان دارد در قوانین خود از جمله قانون اساسی حقوق و تکالیفی برای شهروندان خود وضع می کنند. همچنین حقوق شهروندی به سبب نقش ارزشمندی که در حفظ نظم و امنیت و ارتقای جامعه دارد، همواره مورد توجه اندیشمندان و حقوقدانان قرار گرفته است. حقوق شهروندی در واقع مجموعه حقوقی است که افراد به اعتبار موقعیت شهروندی خود دارا میشوند و نیز اطلاقی عام است.

بر مجموعه امتیازات مربوط به شهروندان و نیز مجموعه قواعدی که بر موقعیت آنان در جامعه حکومت می کند. دارنده این حقوق، یعنی شهروند، به تک تک افرادی که در جامعه زندگی می کنند، اطلاق می شود، فراتر از مفهومی تحت عنوان تابعیت، بدون اعتنای به سلسله مراتب، در واقع حقوق شهروندی آمیخته ای است از وظایف و مسئولیت های شهروندان در قبال یکدیگر، شهر و دولت با قوای حاکم و مملکت و همچنین حقوق و امتیازاتی که وظیفه تامین آن حقوق بر عهده مدیران شهری، دولت یا به طور کلی دولت است.

جرایم علیه امنیت کشور (محاربه)

مصادق و نمونه بارز جرایم علیه امنیت در حقوق ایران و فقه اسلامی محاربه می باشد. قبل از توضیح درباره محاربه باید به این نکته اشاره شود که رسیدگی به جرایم علیه امنیت در صلاحیت دادگاه های انقلاب می باشد. ریشه واژه محاربه (حرب) است که متضاد کلمه (سلم) به معنی صلح می باشد محاربه در اصل به معنی سلب و گرفتن است. این واژه از این جهت در مورد کسی که برای جنگیدن با دیگران یا ترسانیدن آنها سلاح می کشد به کار می رود. که وی قصد گرفتن جان یا مال یا سلب امنیت دیگران را دارد این کلمه در معنی اصطلاحی در آیه ۳۳ سوره مائده که اصلی ترین آیه در خصوص محاربه است و در مورد مشرکینی که در مقابل محبت های پیامبر عهد شکنی کرده و مسلمانان را کشتند و اموال متعلق به مسلمین را غارت کردند نازل شده است.

(همانا کیفر آنان که با خدا و رسول به جنگ برخیزند و در زمین به فساد کوشند جز این نباشد که آن ها را به قتل رسانده، یا به دار کشند و یا دست و پایشان به خلاف یکدیگر بزنند و یا به نفي و تبعید از سرزمین (صالحان) دور کنند. این ذلت و خواری عذاب دنیوی آنهاست و اما در آخرت به عذابی بزرگ معذب خواهند بود. آیه ی ۳۳ مائده)

در مورد معنی محاربه از نظر قانونگذار ایران طبق ماده ۲۷۹ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ محاربه (عبارت از کشیدن سلاح به قصد جان، مال یا ناموس مردم یا ارباب آنها است. به نحوی که موجب ناامنی در محیط گردد...).

این عنوان شاید مبهم و سوال برانگیز جلوه کند، از آن رو که در واقع تمامی افعالی که جرم انگاری شده است، بر علیه امنیت کشور و دولت است.

مثال: کسی که سرقت می کند یا مرتکب قتل می شود هم به امنیت کشور خدشه وارد می سازد.

در حالی که جرایم مذکور به ترتیب تحت عنوان جرایم علیه اموال و جرایم علیه اشخاص طبقه بندی شده و مورد مطالعه قرار می گیرند.

برای رفع ابهام فوق باید گفت که علی رغم صحت این گفته که تمامی جرایم، امنیت کشور را به نوعی خدشه دار می سازند.

و اگر چنین نبود اساساً به عنوان جرم در محدوده حقوق جزا قرار نمی گرفتند. لیکن این ویژگی در برخی از آنها روشن تر و ملموس تر است. و به عبارت دیگر جرایمی وجود دارند که به طور مستقیم با مفهوم امنیت ملی در ارتباط می باشند.

جرایمی مثل جاسوسی، شورش یا تحریک مردم به شورش، جمع اوری اطلاعات محرمانه، سوء قصد به جان مقامات سیاسی بلند پایه، تشویق بیگانگان به اشغال کشور و نظایر آنها به طور مستقیم با حاکمیت ملی و اساس و پایه های یک نظام و حکومت برخورد دارند و از این رو جرایم علیه امنیت محسوب می شوند.

حاکمیت ملی، همواره مهم ترین ارزش برای ملت ها بوده و علیرغم تلاش هایی که در دوران معاصر برای ایجاد نوعی فدرالیسم فراملی انجام شده است هنوز هم می توان گفت که این مفهوم در حقوق بین الملل تقریباً یک برج و باروی غیر قابل تسخیر و مورد تاکید فراوان ملت ها و دولت ها است. با توجه به ارزشی که ملل گوناگون همیشه برای حاکمیت خود قائل بوده اند و با توجه به

بدین ترتیب علاوه بر وجود سوء نیت عام یعنی عمد در کشیدن سلاح (تجرید السلاح) سوء نیت خاص یعنی قصد تعرض به جان، مال یا ناموس مردم برای تحقق این جرم ضرورت دارد.

شرایط تحقق جرم محاربه

برای تحقق جرم محاربه شرایطی لازم است که در ادامه آنها را بیان می‌کنیم:

1- برای تحقق محاربه، اولین و مهمترین شرط کشیدن سلاح است. یعنی باید حتما سلاح کشیده شود و ایجاد ناامنی در محیط از این طریق رخ دهد. پس اگر فرد با فعل دیگری برای مثال ایجاد آتش سوزی، ایجاد ناامنی کند، دیگر محارب نخواهد بود، هرچند که عملش مصداق جرم دیگری باشد.

2- فرقی نمی‌کند که سلاح مورد استفاده گرم باشد یا سرد. اما عرف باید آن ابزار را مصداق سلاح بداند و سلاح، تقلبی نباشد. در ادامه ی ماده 279 آمده است: (هرگاه کسی با انگیزه شخصی به سوی یک یا چند شخص خاص سلاح بکشد و عمل او جنبه عمومی نداشته باشد و نیز کسی که به روی مردم سلاح بکشد، ولی در اثر ناتوانی موجب سلب امنیت نشود، محارب محسوب نمی‌شود.)

3- در محاربه عمومی بودن عمل فرد بسیار مهم است. بنابراین اگر عمل فرد جنبه شخصی داشته باشد، محاربه نخواهد بود. فرض کنید فردی برای وصول طلب خود اقدام به کشیدن سلاح در یک قهوه‌خانه کند. به دلیل این که هدف این شخص کاملا شخصی است، حتی اگر موجب رعب و وحشت عموم هم شود، مصداق محاربه نیست. دقت کنید که وقتی می‌گوییم این عمل مصداق محاربه نیست، ممکن است عمل فرد مصداق جرم دیگری بوده و فرد بدان محکوم شود. -ترسیدن اشخاص متعدد در تحقق محاربه شرط نیست. همین که حتی یک نفر هم بترسد برای تحقق آن کافی است. البته این به شرطی است که فرد انگیزه شخصی نداشته باشد.

5- برای تحقق محاربه، سوءنیت خاص لازم است. یعنی قصد تعرض به جان، مال یا ناموس مردم برای تحقق این جرم ضرورت دارد. البته این قصد غیرمستقیم هم باشد کافی است. یعنی همین که فرد می‌داند با کشیدن سلاح موجب ارباب و سلب امنیت خواهد شد، کافی است.

6- تفاوتی نمی‌کند که مرتکب مرد باشد یا زن، در شهر باشد یا خارج از شهر، روز باشد یا شب.

7- جرم محاربه جرمی مقید به نتیجه است. یعنی علاوه بر قصد فرد برای ایجاد ارباب، حتما باید موجب ارباب و سلب امنیت شود. بنابراین اگر عمل فرد به دلایلی موجب ایجاد ناامنی نشود، مانند این که فردی ضعیف‌الجثه چاقو بکشد، دیگر مصداق محاربه نخواهد بود.

کشیدن سلاح لزوما به معنای استفاده از سلاح نیست. پس اگر فرد صرفا سلاحش را نشان دهد، حتی اگر به کسی حمله نکرده و یا با آن شلیک نکند، در صورتی که موجب سلب امنیت شود، محارب خواهد بود.

راه های اثبات جرم محاربه
راه های اثبات جرم محاربه اقرار و شهادت شهود می باشد. در صورتی که محارب یک بار به وقوع جرم اقرار کند جرم اثبات خواهد شد. همچنین جرم محاربه با شهادت دو مرد عادل قابل اثبات می باشد.

همچنین جرم محاربه با علم قاضی، تحقیقات محلی، گزارش ظابطین، فیلم دوربین مداربسته و یا سایر امارات و قرائن دیگر قابل اثبات خواهد بود.

ماده ۲۸۲ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ حد محاربه را به پیروی از آیه ۳۳ سوره مائده عبارت از یکی از چهار مجازات: اعدام، صلب، قطع دست راست و پای چپ یا نفی بلد دانسته است.

تبصره یک ماده ۱۰۴ بیان می‌دارد توبه محارب قبل از دستگیری یا تسلط بر او موجب سقوط حد است.

حانیه باقری



خشونت خانگی علیه زنان

دایره خشونت خانگی را نمی توان به صرفا خشونت های علیه زنان محدود کرد ولی چیزی که بیشتر در جامعه اتفاق می افتد خشونت علیه زنان و کودکان است. خشونت علیه زنان پدیده ای است که در آن زن به دلیل جنسیت خود، مورد اعمال زور و تضییع حق از سوی جنس دیگر واقع می گردد؛ خشونت در همه جوامع حتی در غرب با اشکال مختلف وجود داشته و امارهای سازمان های رسمی نشان گر افزایش این پدیده است.

پنهان نگاه داشتن اعمال خشونت علیه زنان و پرهیز زنان از واکنش فعال نسبت به آن، یکی از مشخصات خشونت علیه زنان در تمام جوامع است. به نظر می رسد چنین نگرشی به خشونت در هر جامعه دلایل خاص خود را دارد و با شرایط و زندگی فردی زنان هر جامعه ای متناسب است.

تقریباً در خاورمیانه آماری از خشونت های خانگی وجود ندارد؛ در آفریقا، آمریکای لاتین و مرکزی هم همینطور، اما نبود آمار به معنی نبود خشونت نیست؛ چون گزارش شاهدان عینی و گواهی قربانیان خشونت که گهگاه دستشان به رسانه های بین المللی برای افشاگری می رسد، ثابت می کند مراتب خشونت در این مناطق، شدیدتر و ادامه دارتر از آنی است که به نظر می رسد.

در واقع اسامی کشورها متفاوت است، اما خشونتی که در لایه های زیرین و پنهان آن علیه زنان و دختران خانواده اعمال می شود، شباهت زیادی با هم دارد؛ به عبارت دیگر، این زنان هستند که حتی وقتی نقش قربانی را بازی می کنند، باید سکوت کنند و دم نزنند تا آبروی خانواده حفظ شود. در بسیاری از نقاط دنیا، زنان این وضع را پذیرفته اند و چون راهی برای خلاصی از خشونت ندارند به انواع تحقیرهای جسمی و روانی تن می دهند که این ظلم پذیری خودش چرخه معیوبی را می سازد تا مردان با تکیه بر تلاش برای حفظ حیثیت و آبروی خانواده، کوچکترین رفتار اعضای خانه را در کنترل بگیرند و دامنه آن را از تمام مرزهای زندگی شخصی آن ها نیز فراتر ببرند.

قوانین و مقررات موجود در هر نظامی و شدت برخورد و ضمانت های اجرایی قانونگذار نقش بسیار مهمی در پیشگیری از خشونت علیه زنان می تواند داشته باشد. در صورتی که قوانین یک جامعه به شدت با اعمال خشونت علیه زنان از هر نوعی برخورد کنند، فاعلان خشونت از ترس مجازات قانونی کمتر مرتکب آن می شوند.

این قوانین شامل برخورد با خشونت جسمانی در خانه و خشونت روانی در محیط خانه می گردند مثلاً:

1. ماده ۱۱۰۲ قانون مدنی: بر اساس این ماده زن و شوهر مکلف به حسن معاشرت با یکدیگرند. این حسن خلق شامل رفتار و گفتار می گردد.

2. ماده ۱۱۱۵ قانون مدنی: اگر بودن زن با شوهر در یک منزل متضمن خوف ضرر بدنی یا مالی و شرافتی برای زن باشد، زن می تواند مسکن علی حده اختیار کند و در صورت ثبوت مظنه ضرر مزبور، محکمه حکم بازگشت به منزل شوهر نخواهد داد و مادام که زن در بازگشتن به منزل مزبور معذور است، نفقه بر عهده شوهر خواهد بود.

یکی از مصادیق خشونت روانی، خشونت اقتصادی و مالی است. ندادن مخارج زندگی و تحت فشار قرار دادن زن، تصرف اموال او از جمله این موارد است. در ماده ۶۲۴ ذکر شده:

هر کس با داشتن استطاعت مالی نفقه زن خود را در صورت تمکین ندهد یا از تأدیه نفقه یا اشخاص واجب النفقه امتناع نماید، دادگاه او را از سه ماه و یک روز تا پنج ماه محکوم می نماید.

لازم است خشونت خانگی در کشور ما جرم تلقی شود و افراد در صورتی که مورد خشونت قرار گرفتند، آن را پنهان نکرده و فکر نکنند انجام ندادن این کار سبب حفظ حریم خانواده می شود؛ چرا که این تفکر می تواند به اعمال خشونت افراطی و بیمارگونه بینجامد.

متأسفانه فضای حقوقی و قانونی ما هنوز آماده جدی تلقی کردن خشونت های خانگی را ندارد در این زمینه دو موضوع مطرح است:

اولین بحث فرهنگی است: حتی در کشورهایی که قوانین حمایتی وجود دارد، موانع هنجاری و فرهنگی در زمینه خشونت های خانگی خیلی قوی عمل می کند. گاهی اوقات زنان برای حفظ حریم خانواده، آبرو و وجهه خود ترجیح می دهند که این خشونت ها را پنهان کنند.

این خشونت ها را به سختی می توان ثابت کرد و فرآیند اثبات آن در مراجع مختلف زمان بر و هزینه بر است و گاهی اوقات قربانی حتی موفق به ثابت کردن خشونت خانگی اعمال شده علیه خود نمی شود. در این شرایط انتظار می رود فقط خشونت های خانگی بسیار شدید کشف شود و زن زمانی چنین خشونتی را علنی می کند که احساس خطر جانی کند؛ رویکرد فرهنگی به خشونت خانگی و موانع حقوقی و قانونی در این زمینه باعث نهادینه و طبیعی تلقی شدن خشونت خانگی می شود و کم کم نرخ معناداری پیدا می کند.





بلکه بعضی از آن‌ها از نظر قانون تأیید می‌شوند و در نهایت، باعث می‌شوند زنان احساس کنند تقصیر از جانب آن‌هاست. نابرابری در قوانین فرصت بیشتری را نسبت به زنان در اختیار مردان قرار داده است و در برخی موارد نیز در دعاوی مطرح شده، جانبداری عمدتاً به سمت مردان هست تا زنان. از این‌رو می‌توان گفت بی‌اعتنایی به اصول قانون اساسی در سطح اجرایی کشور رایج است و خلأ قانونی زیادی در رابطه با خشونت کلامی علیه زنان دیده می‌شود.

راهکار دوم، فرهنگ‌سازی است: دولت باید زمینه تصویب قوانین پیشگیرانه و حمایت‌های گسترده‌ای از قربانیان خشونت خانگی را فراهم آورد، علاوه بر آن لازم است جامعه مدنی برای افزایش آگاهی‌ها و تغییر نگرش مردان نسبت به خشونت خانگی تلاش کند. قانون در بسیاری از موارد، تفاوتی بین زن و مرد قائل نشده و اگر مردی به همسرش سیلی بزند، همان قدر باید در برابر قانون پاسخگو باشد که وقتی به مرد دیگری سیلی می‌زند، اما ملاحظات درون خانوادگی سبب می‌شود زن، چنین مطالبه‌ای از قانون در برابر شوهرش نداشته باشد.

در قوانین به زنان و میزان برخورداری و آشنایی به این حقوق و ساختار نهادهای جامعه در رساندن زنان به حقوقشان توجه چندانی نمی‌شود؛ زیرا بسیاری از انواع بدرفتاری‌های مردانه نه برای مردان و نه حتی برای قانونگذاران بدرفتاری محسوب نمی‌شود، بلکه حق مرد بر زن به حساب می‌آید؛ از سوی دیگر، برخی از قوانین و مقررات موجود نه تنها زنان را در برابر بدرفتاری‌ها حمایت نمی‌کنند،

جرائم علیه امنیت کشور (محرابه)

منبع اصلی:

کتاب جرائم علیه مصالح عموم کشور، نوشته دکتر حسین میر محمد صادق

بررسی فتنه ضمانت

منابع:

۱_ حقوق تجارت (برای فتنه اناد در وجه حامل و چک) دکتر بیع ال کینے_ انتشارات امت

۲_ مختصر حقوق تجارت دکتر توکلے

۳_ atiyeonline.ir

ریشه واژه محاربه (حرب) است که متضاد کلمه (سلم) به معنی صلح می‌باشد محاربه در اصل به معنی سلب و گرفتن است. این واژه از این جهت در مورد کسی که برای جنگیدن با دیگران یا ترسانیدن آنها سلاح می‌کشد به کار می‌رود. که وی قصد گرفتن جان یا مال یا سلب امنیت دیگران را دارد این کلمه در معنی اصطلاحی در آیه ۳۳ سوره مائده که اصلی‌ترین آیه در خصوص محاربه است و در مورد مشرکینی که در مقابل محبت‌های پیامبر عهد شکنی کرده و مسلمانان را کشتند و اموال متعلق به مسلمین را غارت کردند نازل شده است.

گوشه‌ای از ندای عدالت...



@coj_hsu